

سیاست و حکومت در عصر قاجار

(از آغاز تا پایان سلطنت ناصرالدین شاه)

در آغاز قرن ۱۳ ق/۱۹ م، هم‌زمان با اوج‌گرفتن رقابت دولت‌های اروپایی برای تسلط سیاسی - اقتصادی بر کشورهای مشرق زمین، حکومت قاجار در ایران تأسیس شد. در این درس شما با استفاده از شواهد و مدارک، تحولات سیاسی - نظامی، تشکیلات و نهادهای حکومتی و روابط خارجی ایران را در عصر قاجار بررسی و تحلیل خواهید کرد.

فعالیت ۱

بحث و گفت‌وگو

با راهنمایی دبیر و با توجه به مطالبی که در درس ۲ خوانده‌اید، درباره تأثیر وقوع انقلاب‌های سیاسی و صنعتی در کشورهای اروپایی (قرن ۱۸ م) بر روابط آن کشورها با ایران در دوره قاجار بحث و گفت‌وگو کنید.

تحولات سیاسی

یک توضیح

پیشینه ایل قاجار

ایل قاجار از جمله ایل‌های قزلباش بود که به شاه اسماعیل صفوی در تأسیس حکومت یاری رساندند. شاه عباس اول برای مقابله با حملات ازبکان، ایل قاجار را مانند بسیاری از ایل‌های دیگر به مناطق شمال شرقی ایران کوچاند و در ناحیه استرآباد (دشت گرگان)، اسکان داد. قاجاریان پس از سقوط صفویه، برای مقابله با افغان‌های شورشی به تهماسب دوم صفوی پیوستند. سران ایل قاجار در درگیری‌های داخلی پس از سقوط صفویه، همواره در اندیشه به‌دست گرفتن قدرت، با دیگر مدعیان کشمکش داشتند و دو تن از آنان (فتحعلی‌خان و پسرش محمد حسن‌خان) جان بر سر این هدف گذاشتند.

قرار می‌گرفت. آقامحمدخان پس از مرگ کریم‌خان فرصت را غنیمت شمرد و از شیراز به استرآباد (گرگان) رفت و با متحد کردن افراد ایل قاجار، آماده رویارویی با زندیان شد. او نخست نواحی شمالی و مرکزی ایران را تصرف کرد و تهران را پایتخت

آقامحمدخان قاجار (۱۲۱۰-۱۲۱۱ق)

آقامحمدخان پسر بزرگ محمد حسن‌خان قاجار بود که پس از کشته شدن پدرش، به عنوان گروگان در شیراز، پایتخت کریم‌خان زند، به‌سر می‌برد و حتی مورد مشورت کریم‌خان



نگاره آقا محمدخان قاجار (۱۱۵۵-۱۲۱۱ق)

خود قرار داد، سپس با غلبه بر لطفعلی خان زند و سرکوب طغیان حاکم گرجستان، در سال ۱۲۱۰ق/۱۷۴۰ش در تهران تاج گذاری کرد.

بیشتر بدانیم

تهران چگونه پایتخت شد؟

تهران تا دویست سال پیش، آبادی خوش آب و هوایی در دامنه رشته کوه البرز در شمال شهر کهن ری بود و شاهراههایی که شرق و غرب ایران را به هم متصل می کرد، از کنار آن می گذشت. شاه تهماسب صفوی به این آبادی توجه خاصی نشان داد و به دستور او بارو و خندقی به دور آن کشیده شد. تهران برای نادرشاه اهمیت نظامی داشت و به همین سبب، او پسرش، رضاقلی میرزا، را حاکم آنجا کرد. نادر پس از بازگشت از هندوستان مجلسی از علمای مذهبی در این محل تشکیل داد. کریم خان زند نیز به تهران توجه داشت؛ چنان که در سال ۱۱۷۲ق در تهران بر تخت سلطنت نشست و برای آباد کردن آن کوشید. او قصد داشت آنجا را پایتخت خود کند. به این ترتیب، تهران به تدریج با مجهز شدن به بناهایی با کارکردهای سیاسی، نظامی، مذهبی و اقتصادی و داشتن جمعیت کافی، در اواخر دوره زندگی و ویژگی یک شهر را یافت. آقامحمدخان قاجار با انتخاب تهران به پایتختی، در این شهر تاج گذاری کرد و به نام خود سکه زد و بناهای حکومتی و تأسیسات دفاعی این شهر را گسترش داد.

علل انتخاب شهر کوچک تهران به عنوان پایتخت توسط آقامحمدخان قاجار چنین برشمرده شده است: نزدیک بودن به خاستگاه ایل قاجار در مازندران و استرآباد؛ موقعیت راهبردی (استراتژیک) و ارتباطی مناسب؛ وجود منابع آب کافی، آب و هوای مناسب و هم جواری آن با سکونتگاه ایلات افشار و ساوجبلاغ و خلیج های ساوه و عرب های ورامین که طرفدار آقامحمدخان بودند (دانشنامه جهان اسلام، ج ۸، مدخل تهران با تلخیص و تصرف).

آقامحمدخان پس از تاج گذاری به عزم برچیدن بساط حکومت جانشینان نادرشاه و دستیابی به غنایم و گنجینه جواهرات وی، راه خراسان را درپیش گرفت. او سپس به منظور برقرار کردن نظم و امنیت به منطقه قفقاز لشکرکشی کرد و در همین زمان به دست چند تن از همراهانش به قتل رسید (۱۲۱۱ق/۱۱۷۵ش).

آقامحمدخان برای ایجاد یکپارچگی سیاسی و بازگرداندن حاکمیت دولت مرکزی به سرتاسر قلمرو ایران بسیار کوشید، ولی به سبب بی رحمی و کینه توزی اش در برخورد با مخالفان و رقیبان که تا حدودی ریشه در ستمهایی داشت که در زمان کودکی و نوجوانی بر او رفته بود، در تاریخ نام او به نکویی برده نمی شود.



قلمرو حکومت قاجار در زمان فتحعلی شاه

فتحعلی شاه (۱۲۱۲-۱۲۵۰ق)

پس از مرگ آقامحمدخان، برادرزاده‌اش باباخان که به فتحعلی شاه معروف شد، زمام امور را به دست گرفت. سال‌های نخست سلطنت فتحعلی شاه به سرکوب شورش‌های داخلی و تحکیم پادشاهی در خاندان قاجار گذشت. در دوران سلطنت نسبتاً طولانی او، حکومت قاجار از یک سو با تهاجم نظامی گسترده روسیه و از سوی دیگر با رقابت دولت‌های انگلستان و فرانسه برای نفوذ سیاسی و اقتصادی در ایران مواجه بود. فتحعلی شاه در حفظ یکپارچگی کشور و سامان دادن به اوضاع داخلی موفق بود اما در مقابله با تهاجم نظامی و نفوذ سیاسی کشورهای اروپایی ناکام ماند.



نگاره محمدشاه (۱۲۲۳-۱۲۶۴ق)



نگاره عباس میرزا (۱۲۰۳-۱۲۴۹ق)
- اثر میرزا بابا نقاش



نگاره فتحعلی شاه (۱۱۸۶-۱۲۵۰ق)
- اثر مهرعلی نقاش

محمد شاه (۱۲۵۰-۱۲۶۴ق)

مقابل زیاده‌خواهی‌های انگلیسی‌ها و تلاش برای کاستن از دخالت ناروای محمدشاه و درباریان در امور کشور، اسباب دسیسه‌گری مخالفانش را فراهم آورد و شاه را نسبت به این وزیر بزرگ بدبین کرد. در نتیجه، قائم‌مقام پس از هفت ماه از مقام وزارت برکنار و کشته شد و حاجی میرزا آقاسی، مراد و معلم درویش‌مسلمک شاه، به‌جای او نشست. در دوران صدارت میرزا آقاسی، نفوذ دولت‌های روسیه و انگلستان در ایران افزایش یافت.

فتحعلی‌شاه پسرش، عباس‌میرزا، را به جانشینی خود برگزیده بود اما به دنبال مرگ زودهنگام این شاهزاده لایق، مقام ولیعهدی به محمدمیرزا، فرزند عباس‌میرزا رسید. محمدمیرزا پس از مرگ فتحعلی‌شاه با تدابیر میرزا ابوالقاسم خان قائم‌مقام فراهانی و سرکوب چند تن از عموها و برادران خود، که مدعی سلطنت بودند، به تخت پادشاهی نشست. اگرچه تدابیر قائم‌مقام موجب سر و سامان یافتن امور کشور شد، ایستادگی او در

فعالیت ۲

بررسی شواهد و مدارک

وصف قائم‌مقام فراهانی را از زبان یکی از شاهزادگان قاجاری بخوانید و به پرسش‌های مربوط به آن پاسخ دهید.

«از عهد کیومرث که بنای سلطنت در ایران شد، چنان وزیری با تدبیر و دستوری بی‌نظیر به نظر ارباب بصیرت نرسیده. الحق که از جمیع علوم و کمالات آراسته، در علم عربیت و حکمت الهی استاد و در علوم ریاضی رایض میدان بلاغت و استحضار... اشعار دَری و تازیش دَرّ شاهوار... باری با وجود کثرت مشاغل نهایت غرابت را دارد که شخصی به این قسم بتواند از هر علمی از علوم با بهره باشد... از هنگام حرکت محمدشاه از آذربایجان تا پنج ماه توقف در دارالخلافه طهران، قائم‌مقام به اقتدار گذرانیده، به طریقی که احدی بدون اذن وی قدرت رفتن خدمت شاه را نداشته و محمدشاه بدون اذن او دیناری به کسی نداده، چنانچه اگر هم مایل به بخشش بود هر آینه موجب ملامت قائم‌مقام می‌گردید. در این موارد که گرفت و گیر قائم‌مقام از حد اعتدال گذشت، جمعی دوستان بدو گفتند که این‌قدر بر پادشاه تنگ گرفتن و غدغن نمودن که هیچ کس نزد او آمد و رفت نکند و پادشاه معاشرت با احدی ننماید، درست نیست، عاقبت به تو کم مرحمت خواهد شد. در جواب گفته بود که این امور سلطنت را پادشاه درست مطلع نیست؛ چون که اول دولت است، می‌ترسم غافل شوم و غفلتی به هم رسد و کارهای پخته خام گردد. دلم به جهت زحمت‌های خودم خواهد سوخت» (سفرنامه رضاقلی میرزا نوه فتحعلی‌شاه، صص ۳۱-۳۲).

۱- با توجه به اینکه قائم‌مقام برای به سلطنت رساندن محمد شاه، پدر رضاقلی میرزا را از میان برداشت، آیا نویسنده انصاف را درباره او رعایت کرده است؟

۲- قضاوت و تحلیل شما از اقدام قائم‌مقام در ممانعت از دخالت ناروای شاه، حرم‌سرا و درباریان در اداره امور کشور چیست؟

ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق)

از تجربه‌های سیاسی ارزشمند خود، علاوه بر سامان دادن به اوضاع کشور، برنامه منسجمی را برای اصلاح امور سیاسی و اقتصادی کشور تهیه کرد و بخشی از آن را به اجرا درآورد. امیرکبیر نیز با توطئه و دسیسه مخالفان داخلی و خارجی به سرنوشت قائم‌مقام دچار شد و اصلاحاتش به نتیجه مطلوب نرسید.

پس از مرگ محمدشاه، ولیعهد او، ناصرالدین میرزا، با درایت میرزاتقی‌خان فراهانی بر تخت شاهی نشست. ناصرالدین شاه جوان در آغاز سلطنتش، میرزاتقی‌خان را با لقب امیرکبیر به مقام صدراعظمی برگزید و به او در اداره امور کشور اختیار تام بخشید. امیرکبیر که تربیت‌یافته قائم‌مقام بود، با استفاده



ناصرالدین شاه در سفر سوم به فرنگ - انگلستان، قصر هاتفیلد ۱۳۰۶ق/۱۸۸۹م

ناصرالدین شاه شور و اشتیاق فراوانی به نوگرایی و اخذ تمدن اروپایی نشان می‌داد. او در دوران پادشاهی خود طی سه مسافرت خارجی، از چندین کشور اروپایی دیدن کرد و تحت تأثیر پیشرفت‌های علمی و صنعتی اروپاییان قرار گرفت. میرزا حسین خان سپهسالار، یکی از صدراعظم‌های عصر ناصری، نقش مؤثری در تشویق شاه برای سفر به فرنگ^۱، اخذ تمدن اروپایی و ترغیب وی به دادن امتیازهای فراوان به انگلیس و روس تزاری داشت. اما برنامه‌های او به سبب مخالفت‌های داخلی و تردیدهای شاه به جایی نرسید. ناصرالدین شاه اگرچه ضرورت نوگرایی و جبران عقب‌ماندگی کشور را درک کرده بود، از نتایج سیاسی آن، که کاهش قدرت و اختیارات نامحدود شاه بود، به شدت وحشت داشت. برای مثال، او مدرسه دارالفنون را نماد ترقی قلمداد می‌کرد و علاقه فراوانی به انتشار کتاب و روزنامه داشت اما در عین حال، از نشر اندیشه سیاسی جدید و ترویج افکار مشروطه‌طلبی و جمهوری‌خواهی در ایران سخت بیمناک بود. از این رو، اصلاحات عهد او به تغییر اساسی منجر نشد.

یک توضیح

ملاقات ناصرالدین شاه با لویی پاستور

«امشب پاستور معروف را که برای آدم سگ‌ها گرفته معالجه و علاج پیدا کرده است، دیدم، شرح احوال او را در روزنامه‌جات خوانده بودم، حالا هم او را دیدم و با او خیلی صحبت کردم. می‌گفت معالجه این کار را خوب پیدا کرده‌ام... حالا پاستور در اینجا مدرسه دارد و درس می‌گوید و مردم مشغول تحصیل این کار هستند. حقیقت، این پاستور خیلی خدمت به انسانیت کرده است» (روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان، کتاب دوم، ص ۱۹۱).

۱- واژه فرنگ فارسی شده کلمه فرانک (Frank) یا فرانسه (France) است. اما فارسی‌زبانان این واژه را در مفهوم وسیع‌تری به معنای کل اروپا و جهان مسیحیت یا همه جهان غرب به کار برده‌اند.

با راهنمایی دبیر، بخشی از سفرنامه‌های ناصرالدین‌شاه به فرنگستان را انتخاب و گزارشی از خاطرات و بازدیدهای او در یک صفحه تهیه کنید.



میرزا رضا کرمانی (۱۲۲۶-۱۲۷۵ ش)

نفوذ اجتماعی و دینی روحانیت و مراجع شیعه، قدرت سیاسی و نظامی ایلات و نفوذ و دخالت قدرت‌های استعمارگر دامنه قدرت و اختیار شاهان را تا حدودی محدود می‌کرد. شاهان قاجار همچنین حرم‌سرای بزرگی داشتند. زنان حرم‌سرا به همراه ندیمه‌ها و خدمتکاران نفوذ زیادی در دربار و بیرون از آن داشتند.

در زمان ناصرالدین‌شاه نیز دولت‌های روسیه و انگلستان نفوذ سیاسی خود را در ایران افزایش دادند و برای کسب امتیازات اقتصادی در کشور ما به رقابت برخاستند.

ناصرالدین‌شاه در واپسین سال‌های حکومت، بیشتر وقتش را به سرودن شعر، نقاشی و شکار می‌گذراند. سرانجام، در آستانه پنجاهمین سالگرد سلطنتش، میرزا رضا کرمانی که از هواداران ستم‌کشیده سیدجمال‌الدین اسدآبادی بود، او را به قتل رساند.

نظام سیاسی و اداری

مقام و جایگاه شاه

نظام حکومتی ایران تا پیش از انقلاب مشروطه، پادشاهی مطلقه و استبدادی بود. در چنین نظامی، شاه در رأس هرم قدرت قرار داشت و از اختیارات نامحدود برخوردار بود؛ عزل و نصب مقام‌های حکومتی و اعلام جنگ و صلح از جمله اختیارات اساسی او به شمار می‌رفت. در واقع، شاه هر سه قوه قانون‌گذاری، اجرایی و قضاوت را در انحصار خود داشت. شاهان قاجار خود را مالک جان و مال ایرانیان می‌شمردند و انتظار داشتند که همگان، از صدراعظم تا مردم عادی، فرمانشان را بی‌چون و چرا اطاعت کنند. با این حال، آنان در عمل نمی‌توانستند به‌طور کامل و همیشه قدرت استبدادی و اختیارات نامحدود خود را به کار ببندند؛ زیرا از یک سو فاقد ابزارهای لازم، مانند نظام اداری کارآمد و ارتش ثابت و حرفه‌ای، برای اعمال قدرت مطلقه بودند و از سوی دیگر،



ملک نساء خانم عزت الدوله، خواهر ناصرالدین شاه و همسر امیر کبیر



مهدعلیا (۱۲۲۰-۱۲۹۰ق)، مادر ناصرالدین شاه، از زنان بانفوذ دربار قاجار

صدر اعظم

بعد از شاه، وزیر اعظم یا صدراعظم قرار داشت. صدراعظم بر پایهٔ اختیاراتی که شاه به او می‌داد، می‌توانست در تمام امور کشور اظهار نظر و مداخله کند، به حضور شاه برسد و برای وی نامه بنویسد. این صاحب‌منصب عالی‌مرتب‌ه همچنین امکان این را داشت که از موقعیت خود برای اصلاح امور کشور، رونق کسب و کار و رفاه مردم بهره ببرد. در عصر قاجار نیز همچون دوران پیش از آن، وزیران و صدراعظم‌ها امنیت جانی و مالی کافی نداشتند و شمار قابل توجهی از آنان با دسیسهٔ درباریان و بدگمانی و خشم شاهان، جان و دارایی خود را از دست دادند.

حکومت ایالات و ولایات

والیان و حاکمان ایالات و ولایات، شهرها و روستاها عمدتاً از میان خاندان‌های زمین‌دار، اعیان یا بزرگان محلی، سران ایلات و عشایر و شاهزادگان قاجاری برگزیده می‌شدند. حاکمان ایالات و ولایات تا حدودی خودمختار بودند و بخش اعظم درآمد منطقهٔ تحت فرمان خویش را برای خود نگه می‌داشتند. شاهان قاجار از طریق برقراری پیوند ازدواج با خاندان‌های زمین‌دار، بزرگان محلی و مقام‌های بلندپایهٔ حکومتی به دنبال گسترش نفوذ و استحکام سلطنت خود بودند. ادارهٔ ایالت آذربایجان با مرکزیت شهر تبریز، همواره به عهدهٔ ولیعهد بود. والیان و حکام نیز، همچون پادشاه، بازیردستان خود رفتاری مستبدانه داشتند.



مسعود میرزا ظل‌السلطان (۱۲۲۸-۱۲۹۷ ش)، پسر ناصرالدین شاه ۳۴ سال متوالی حاکم مستبد اصفهان و حدود ۴۵ سال متناوب حاکم مازندران، اصفهان و فارس بود و ثروت زیادی از این راه به دست آورد.

بسیاری از شاهان قاجار و کارگزاران زیردست آنان اگرچه در برابر مردم ایران مستبد و ظالم بودند، اما نسبت به بیگانگان از خود ضعف و سستی نشان می دادند.

بیشتر بدانیم

صاحب‌منصبان شهری

در دوره قاجار، برقراری نظم و امنیت در شهرها بر عهده کلاتر بود که تحت فرمان حاکم شهر و به کمک داروغه، میرشعب، گزمه و محتسب انجام وظیفه می کرد. کلاتر همچنین بر کار مالیات گیری و عملکرد بازاریان و پیشه‌وران نظارت داشت. منصب کلاتر در بیشتر شهرها موروثی بود و او برای اعمال نظارت بیشتر، در هر محله یک نفر را به عنوان کدخدا برمی گزید. پس از تشکیل نیروی نظمیه در زمان ناصرالدین‌شاه، وظایف کلاتر به رئیس نظمیه سپرده شد.

تشکیلات اداری

نظام اداری ایران در اوایل عصر قاجار بسیار کوچک بود و به چهار اداره یا وزارت خانه قدیمی مالیه، جنگ، عدلیه و امور خارجه محدود می شد. در دوران ناصرالدین‌شاه و تحت تأثیر مواجهه ایران با تمدن غربی، وزارت خانه‌های دیگری^۱ به تشکیلات اداری افزوده شد. در آن زمان، وزارت خانه‌ها اغلب مکان و تجهیزات، کارکنان حقوق‌بگیر، دوایر محلی و حتی بایگانی منظم نداشتند و دامنه فعالیتشان به ندرت از پایتخت فراتر می رفت. اداره این وزارت خانه‌ها اغلب به شکل موروثی در اختیار خانواده‌های سرشناسی بود که با یکدیگر رقابت داشتند و گاه سمت‌های اداری را میان خود خرید و فروش می کردند. پرسابقه‌ترین و گسترده‌ترین آنها، وزارت مالیه به ریاست مستوفی‌الممالک بود و مستوفیانی که نسل اندر نسل به شغل مستوفیگری اشتغال داشتند آن را اداره می کردند. مستوفیان مسئولیت محاسبه و گردآوری مالیات‌ها و نظارت بر املاک دیوانی و سلطنتی (خاصه) را برعهده داشتند^۲.

فعالیت ۳

بررسی شواهد و مدارک

توضیح مورگان شوستر آمریکایی^۱ درباره نحوه عملکرد مستوفیان را بخوانید و اشکالات نظام مالیاتی را از آن استنباط و استخراج کنید.

«از نسل‌ها و ازمینه سالفه^۲ مردمانی در ایران می‌باشند که آنها را مستوفی می‌خوانند. پیشه و شغل اکثر آنها ارثی است که از پدر به پسر رسیده است. آنها از وضع این کتابچه‌ها [کتابچه‌های میزان مالیات هر منطقه] مسبوق و از طریقه پیچیده و درهمی که مالیات هر محل به وسیله آن حساب یا وصول می‌شود، مطلع بودند. هر یکی از پیشکاران یا مأمورین جزء، کتابچه‌های مالیاتی نقاط ابواب‌جمعی خودشان را ملک طلق^۳ خود می‌دانست، نه متعلق به دولت، اگر کسی می‌خواست از تفصیل آن کتابچه‌ها مسبوق شود، یا بداند که مالیات هر محل چقدر وصول شده و چقدر آن را برای خود ذخیره و پس نهاد نموده‌اند، مستوفیان مزبور متغیر و غضبناک می‌شدند» (شوستر، **اختناق ایران**، ص ۳۱۴).

۱- شوستر در سال ۱۲۹۰ش به خواست دولت ایران برای ساماندهی وزارت مالیه استخدام شد و برای مدت کوتاهی در ایران خدمت کرد.
۲- گذشته ۳- ملکی که شش دانگ آن متعلق به یک شخص باشد.

۱- داخله، تجارت، معارف و فواید عامه و پست و تلگراف

۲- آبراهامیان، تاریخ ایران مدرن، صص ۲۸-۳۲؛ فوران، مقاومت شکننده...، صص ۲۱۴ و ۲۱۵

سازمان قضایی عصر قاجار از دو گونه محاکم تشکیل شده بود :
۱- محاکم عُرف که به تخلفات و جرایم سیاسی و امنیتی مانند شورش، سرقت، نزاع و عدم پرداخت مالیات رسیدگی می‌کردند. این محاکم را قضات و مأمورانی اداره می‌کردند که از مقام‌های حکومتی فرمان می‌بردند و حقوق می‌گرفتند.

۲- محاکم شرع که دعاوی مدنی مانند دعوای خانوادگی، ملکی و ارث را حل و فصل می‌کردند. در این محاکم، روحانیان قضاوت می‌کردند و هزینه‌های رسیدگی برعهده طرفین دعوا بود.

ارتش و تشکیلات نظامی

آقامحمدخان قاجار با استفاده از جنگاوران ایل خود و دیگر ایل‌های متحد آن، قدرت را به دست گرفت. این ارتش مجهز به تیر و کمان، گرز، شمشیر و تفنگ‌های فتیله‌ای بود و به ندرت از توپخانه استفاده می‌کرد. ارتش ایلیاتی قاجار در جنگ با ارتش‌های اروپایی و به خصوص ارتش روسیه، که حرفه‌ای، آموزش‌دیده و مجهز به سلاح‌های آتشین جدید بود، ناکارآمدی خود را نشان داد. از این رو، عباس‌میرزا فرمانده جنگ‌های ایران و روس، درصدد برآمد با استفاده از دانش و تجارب

کارشناسان نظامی فرانسه و انگلستان، ارتش ایران را تجدید سازمان و مجهز به سلاح‌های مدرن کند، اما تلاش‌های او به دلیل پیمان‌شکنی دولت فرانسه، بدعهدی دولت انگلیس و موانع و مشکلات داخلی بی‌نتیجه ماند. در اوایل عصر ناصری، امیرکبیر، صدراعظم با کفایت ایران، با جدیت تمام برای تشکیل ارتش حرفه‌ای و دائم اقداماتی انجام داد. یکی از مقاصد او از تأسیس مدرسه دارالفنون، آموختن دانش نظامی جدید و اشاعه آن و نیز تقویت توان جنگی و دفاعی کشور بود. پس از امیرکبیر، این اقدام نوگرایانه او همچون سایر اقداماتش به فراموشی سپرده شد، تا اینکه ناصرالدین‌شاه امتیاز تأسیس یک واحد نظامی حرفه‌ای با عنوان بریگاد قزاق را به روسیه واگذار کرد. نیروی قزاق تشکیلات نظامی منسجم و منظمی بود که تا اواخر حکومت قاجار تحت فرماندهی افسران روسی فعالیت می‌کرد. نفرت این نیرو در اوج گسترش کمتر از ۱۰ هزار نفر بود و بیشتر به عنوان نیروی نگهبان شخص شاه و خاندان سلطنت و دفع‌کننده شورش‌ها و اعتراض‌های داخلی عمل می‌کرد و در حفظ مرزها و مقابله با هجوم خارجی کارایی چندانی نداشت.



رژه واحدهای نظامی در میدان مشق - تهران



رژه نیروهای قزاق

بحث و گفت‌وگو

با توجه به این سخن ناصرالدین‌شاه که «... نه قشونی داریم و نه مهمات قشونی» و این گفته میرزا علی‌خان امین‌الدوله^۱ که «ایران قشون منظم آبرومند می‌خواهد. ایران باید معاشرش منظم باشد. هر ساعت سفارت‌خانه‌ای مراسلهٔ بالا بلند به وزارت خارجه نفرستد که فلان ایل در فلان راه مال‌التجارهٔ تبعهٔ مرا سرقت کرد» (امین‌الدوله، **خاطرات سیاسی**، صص ۶۹ و ۲۵۸)، دربارهٔ تأثیرات و پیامدهای داخلی و خارجی فقدان ارتش حرفه‌ای و ثابت در دورهٔ قاجار بحث و گفت‌وگو کنید.

۱- امین‌الدوله (۱۲۵۹-۱۳۲۲ق) سیاستمدار نوگرا و روشنفکر عصر ناصری و صدراعظم مظفرالدین‌شاه

روابط خارجی

هم‌زمان با شکل‌گیری حکومت قاجار در ایران، قدرت‌های اروپایی (روسیه، انگلستان و فرانسه) با اتکا به تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی و به پشتوانهٔ پیشرفت‌های علمی، صنعتی و اقتصادی، رقابت شدیدی را برای تسلط بر دیگر کشورها، از جمله ایران، آغاز کردند. زمامداران و مردم ایران که از تغییر و تحولات و پیشرفت‌های جوامع و کشورهای اروپایی ناآگاه یا کم‌اطلاع بودند، آمادگی لازم برای مقابله با چنین رویارویی سنگینی را نداشتند و در مقابل هجوم اروپایی‌ها به نوعی غافلگیر شدند.

روسیه

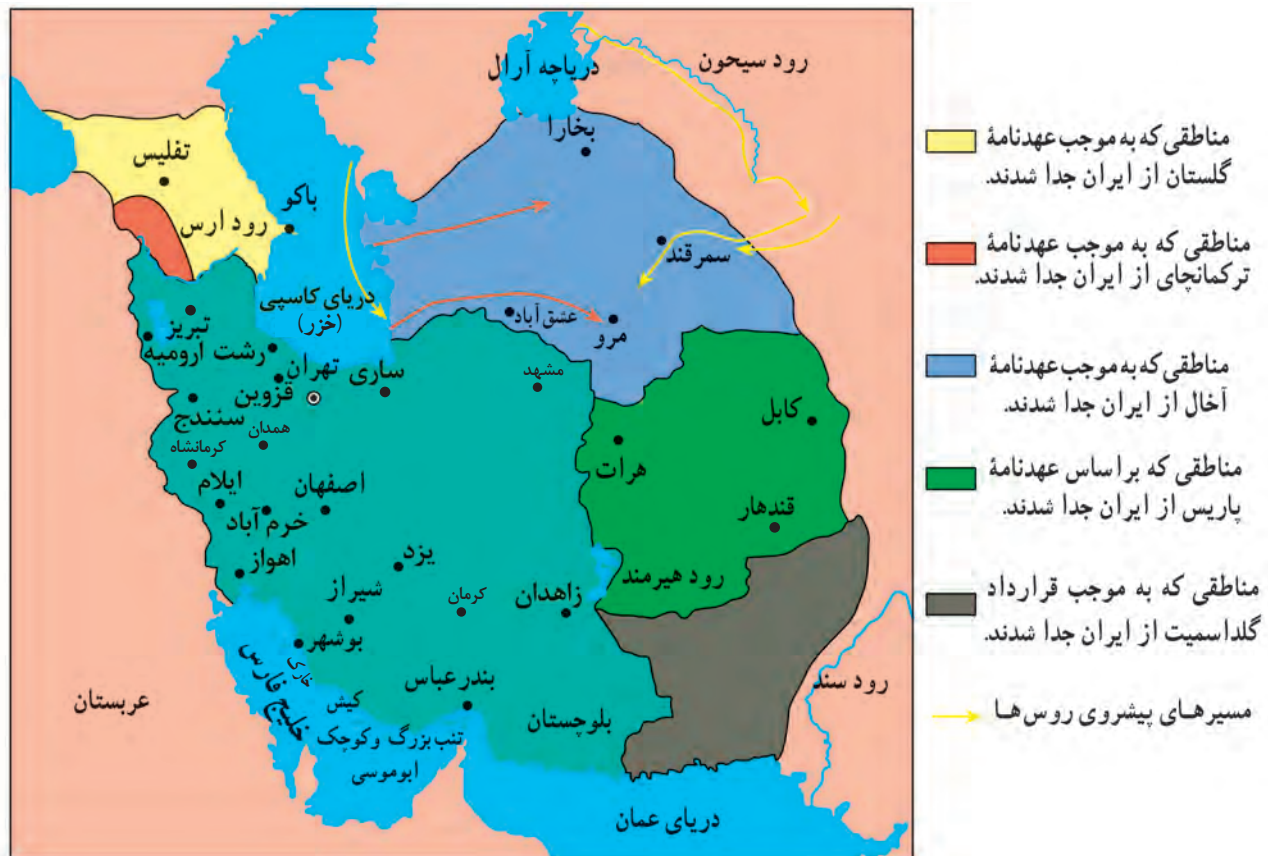
دولت روسیه از زمان پترکبیر، سیاست توسعه‌طلبانه‌ای را با هدف تسلط بر سرحدات شمالی ایران و عثمانی آغاز کرد. اقتدار نظامی نادرشاه و سپس آقامحمدخان مدت کوتاهی روس‌ها را وادار به عقب‌نشینی نمود اما در زمان حکومت فتحعلی‌شاه قاجار و پس از آنکه حاکم گرجستان خود را تحت حمایت دولت روسیه قرار داد، روس‌ها به منطقهٔ قفقاز لشکرکشی کردند و گرجستان را تصرف نمودند. این اقدام سرآغاز جنگ‌های ایران و روسیه به حساب می‌آید.

این نگاره که نبرد سلطان‌آباد و پیروزی سپاه عباس میرزا را نشان می‌دهد، در قصر عباس میرزا نگهداری می‌شده، اما بعدها روس‌ها آن را با خود به روسیه برده‌اند. نگاره در سال ۱۸۱۵-۱۸۱۶م ترسیم شده است.



دور اول جنگ‌های ایران و روس (۱۲۱۸-۱۲۲۸ق/۱۸۰۳-۱۸۱۳م) که با هجوم نظامیان روسی آغاز شد، در طی حدود ۱۰ سال جنگ، سپاهیان ایران به فرماندهی عباس میرزا، رشادت و سلحشوری چشمگیری از خود نشان دادند و در مواردی روس‌ها را شکست دادند، این دور از جنگ‌ها سرانجام به سبب عدم توازن قدرت نظامی و اقتصادی دو کشور، ضعف سیاسی حکومت قاجار و پیمان‌شکنی دولت‌های فرانسه و انگلستان، به پیروزی روسیه و انعقاد معاهده گلستان انجامید. عباس میرزا، فرمانده سپاه ایران در این جنگ‌ها، هر آنچه در توان داشت برای جلوگیری از شکست ایران انجام داد.

پس از وقفه‌ای کوتاه، دور دوم جنگ‌های ایران و روسیه (۱۲۴۱-۱۲۴۳ق/۱۸۲۶-۱۸۲۸م) شروع شد. از جمله علل شروع این دور از جنگ، یکی مشخص نبودن خطوط مرزی در عهدنامه گلستان و ادعاهای ارضی جدید روس‌ها و دیگری فریاد کمک‌خواهی مردم مسلمان شهرها و روستاهایی بود که به واسطه معاهده گلستان تحت سلطه و ستم روس‌ها قرار گرفته بودند. با صدور فتوای جهاد برخی از علما، عده زیادی از ایرانیان آماده جهاد شدند و حکومت قاجار را به اقدام نظامی برای آزادی سرزمین‌های ایرانی ترغیب کردند. در ابتدای جنگ، نیروهای ایرانی به فرماندهی عباس میرزا به سرعت بسیاری از مناطق اشغالی را آزاد کردند اما روسیه با تمام قوا و تجهیزات نظامی خود وارد عرصه کارزار شد و در شرایطی که انگلستان برخلاف تعهدش از کمک نظامی و مالی به ایران خودداری می‌کرد، سپاه ایران را شکست داد و حکومت قاجار را وادار به پذیرش معاهده ترکمانچای کرد. ناتوانی فتحعلی‌شاه در تأمین تدارکات سپاه و بی‌کفایتی و سستی برخی از فرماندهان، مانند آصف‌الدوله و نیز اعتماد به وعده‌ها و قدرت خارجی در این شکست تأثیرگذار بود.



سرزمین‌های جداشده از ایران در دوره قاجار

در نتیجه قراردادهای گلستان و ترکمانچای، مناطق وسیعی از سرزمین‌های حاصلخیز ایران در غرب دریای کاسپی (خزر) که شامل ولایات گرجستان، داغستان، ارمنستان، نخجوان و اران با شهرها و روستاهای آباد و پرجمعیت بود، به روسیه واگذار شد و رود ارس مرز دو کشور قرار گرفت. به علاوه، ایران در عهدنامه گلستان از داشتن کشتی جنگی در دریای کاسپی (خزر) محروم شد و در معاهده ترکمانچای نیز متعهد گردید که مبلغ ۵ میلیون تومان غرامت به دولت روسیه بپردازد و به اتباع آن کشور نیز حق مصونیت قضایی (کاپیتولاسیون) بدهد.

فعالیت ۵

فکر کنیم و پاسخ دهیم

- ۱- با راهنمایی دبیر و با توجه به مطالبی که در درس‌های ۲ و ۳ خواندید، با یکدیگر همفکری کنید و دلایل شکست ایران از روسیه را در چارچوب محورهای مشخص شده زیر بیان کنید.
الف) نظامی:
ب) سیاسی:
پ) اقتصادی:
ت) مناسبات خارجی:
- ۲- به نقشه سرزمین‌های جدا شده از ایران در دوره قاجار نگاه کنید. چرا با اینکه سرزمین‌های جدا شده از ایران در معاهده گلداسمیت، پاریس و آخال بسیار وسیع است، دو معاهده ترکمانچای و گلستان بیشتر در ذهن مردم ایران، قبیح و ماندگار شده است؟

دست‌اندازی روسیه به خاک ایران بعد از معاهده ترکمانچای همچنان ادامه پیدا کرد. روس‌ها مناطق وسیعی از سرزمین‌های ایرانی در شرق دریای کاسپی (خوارزم و ماوراءالنهر) را تسخیر و عهدنامه آخال (۱۲۹۹ ق/ ۱۸۸۱ م) را بر حکومت قاجار تحمیل کردند.

فعالیت ۶

تحلیل و قضاوت

پاسخ ناصرالدین شاه را به اعتراض دولت انگلستان به امضای قرارداد آخال توسط ایران بخوانید و تحلیل و قضاوت خود را درباره سیاست و کشورداری ناصرالدین شاه و موقعیت بین‌المللی حکومت قاجار بیان کنید.

«باید جواب نوشت: ما چیزی به روس ندادیم. شما که انگلیس هستید در این فقره داده‌اید. اگر از اول روس را از این همه پیش آمدن به سمت آخال و ترکمان رسماً و قویاً مانع می‌شدید، البته روس‌ها میدان جولان بازی خودشان را کمتر می‌کردند، بلکه هیچ نمی‌توانستند داخل شوند. وقتی که مثل شما دولتی قوی نتواند سد راه و خیال روس‌ها را بکند، ما به طریق اولی نمی‌توانیم. روس آمد آخال را گرفت؛ ما چه می‌کردیم؟ بعد گفت سرحد طبیعی خراسان و ترکمان را باید معلوم بکنید و قرار بدهید؛ ما چه می‌کردیم اگر قبول نمی‌کردیم؟ به رضایت خودش همان‌طور که آخال را تصرف کرد، حد طبیعی ترکمان را هم با خراسان به زور تصرف می‌کرد. آن وقت آیا ما باید با روس‌ها جنگ کنیم، آیا شما به ما امداد قشونی و پولی و اسلحه می‌کردید یا نه؟» (نورائی، گفت‌وگوی ملکم‌خان با لرد سالیسبوری، بررسی‌های تاریخی، صص ۱۵۳-۱۵۴).

ارتباط حکومت قاجار با روسیه به روابط سیاسی و نظامی محدود نمی‌شد. روس‌ها یک قرارداد تجاری را ضمیمه عهدنامه ترکمانچای کردند که نتیجه آن گسترش نفوذ اقتصادی آنان در ایران و تسلط بر بازار نیمه شمالی کشور ما بود. علاوه بر آن، روسیه در رقابت با انگلستان امتیازات اقتصادی و سیاسی متعددی مانند تأسیس بانک استقراضی، شیلات شمال و تأسیس نیروی فزاق را گرفت.

انگلستان

سلطه استعماری انگلستان بر هندوستان در سده ۱۸م، موجب توجه بیشتر انگلیسی‌ها به ایران شد. در اوایل دوره قاجار، دولت انگلیس کوشید با اعزام سفیران کارگشته^۱ به ایران و امضای معاهدات **مُجَمَل** و **مُفَصَّل**، نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را در میهن ما گسترش دهد و مانع آن شود که کشورهای رقیب از طریق ایران به هندوستان برسند. این کشور همچنین با حضور در خلیج فارس و تسلط بر برخی از جزایر ایرانی، زمینه را برای گسترش نفوذ و دخالت سیاسی، نظامی و اقتصادی خود در این منطقه راهبردی (استراتژیک) فراهم آورد.

فعالیت ۷

بررسی شواهد و مدارک

مفاد عهدنامه‌های مجمل و مفصل را که دبیر در اختیار شما قرار می‌دهد، بخوانید و ضمن استخراج، تلخیص و مقایسه تعهدات ایران و انگلستان، با توجه به محتوای درس، موارد نقض این تعهدات توسط طرفین را مشخص کنید.

تلاش برای جدا کردن سرزمین‌های شرق ایران؛ از اواخر عهد فتحعلی‌شاه، دولت انگلیس درصدد برآمد که با جدا کردن سرزمین‌های شرقی ایران، منطقه‌ای حائل و تحت نفوذ خود در مرزهای هندوستان به وجود آورد. به همین منظور، در زمان محمدشاه و ناصرالدین‌شاه از حاکم نافرمان هرات و دیگر امیران شورشی افغان حمایت کرد و با اقدامات سیاسی و نظامی خود مانع سرکوب این شورش‌ها توسط سپاه ایران شد. انگلستان سرانجام با تحمیل **معاهده پاریس** به حکومت قاجار، افغانستان و هرات را از ایران جدا کرد (۱۲۷۳ق). انگلیسی‌ها سپس با **قرارداد گلداسمیت**، مناطقی از سیستان و بلوچستان را نیز از ایران جدا و ضمیمه خاک هندوستان کردند که خود بر آن فرمان می‌راندند.

گرفتن امتیازات اقتصادی؛ در دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه، انگلیسی‌ها در رقابتی تنگاتنگ با روس‌ها، موفق به گرفتن امتیازات اقتصادی متعددی از ایران شدند که امتیازهای روبرتر، بانک شاهنشاهی و توتون و تنباکو (رژی یا تالبوت) از جمله مهم‌ترین آنها بود.

۱- سر جان ملکم (Sir John Malkom) و سر هارد فورد جوتز (Sir Hardford Jones) و سر گور اوزلی (Sir Goure Ouseley) از جمله این سفرا بودند.

امتیاز رویتر

امتیاز رویتر که قراردادی بین حکومت قاجار و یک یهودی انگلیسی به نام بارون رویتر بود، در زمان ناصرالدین شاه و با تلاش میرزا حسین خان سپهسالار بسته شد. در این قرارداد، حق احداث راه آهن و تراموا و بهره‌برداری از کلیه معادن و منابع ایران به جز طلا، نقره و سنگ‌های قیمتی و نیز بهره‌برداری از جنگل‌ها و احداث قنات‌ها و کانال‌های آبیاری به مدت هفتاد سال و اداره گمرک و حق صدور همه نوع محصولات انگلیسی به ایران، به مدت بیست و پنج سال به رویتر واگذار شد. در مقابل رویتر تنها مبلغ دویست هزار لیره برای تأمین هزینه‌های سفر ناصرالدین شاه به اروپا به صورت وام پرداخت کرد. روس‌ها از منافع سرشاری که این قرارداد برای رقیب آنها در بی‌داشت ناراضی بودند و به آن اعتراض کردند و خواستار لغو آن شدند. در داخل کشور نیز مخالفت‌های شدیدی با این امتیاز صورت گرفت و مجتهد بزرگ تهران، حاج ملا علی کنی، به شدت با آن مخالفت کرد. سرانجام ناصرالدین شاه مجبور به لغو این قرارداد شد و رویتر هم در نهایت موفق شد امتیاز بانک شاهنشاهی را به مدت شصت سال به دست آورد.



نماز جماعت به امامت آیت الله میرزای شیرازی

واگذاری امتیازات موجب نگرانی مردم، به ویژه بازرگانان و روحانیان، از تسلط بیگانگان بر اقتصاد و منابع تولید کشور شد و اعتراضات و جنبش‌هایی را برانگیخت. یکی از مهم‌ترین این جنبش‌ها، اعتراض در مقابل امتیاز تنباکو بود.

در ماجرای امتیاز توتون و تنباکو، ناصرالدین شاه در برابر دریافت مبلغی ناچیز و یک چهارم سود سالانه، انحصار خرید و فروش تنباکو و توتون در داخل و خارج ایران را به مدت پنجاه سال به یک انگلیسی به نام تالبوت واگذار کرد. از این رو این قرارداد به قرارداد تالبوت مشهور شده است و چون نام شرکت تالبوت،

«رژی» بود این عهدنامه را رژی نیز می‌نامند. مردم ایران که می‌دیدند این قرارداد نوعی استثمار اقتصادی است، شروع به قیام و اعتراض نسبت به این قرارداد کردند. علما و روحانیون، رهبری این اعتراضات را به دست گرفتند و در نهایت مرجع بزرگ شیعه آیت الله میرزای شیرازی حکم تاریخی خود را صادر کرد: «بسم الله الرحمن الرحیم، الیوم استعمال تنباکو و توتون بآئی نحو کان، در حکم مبارزه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه است». این فتوا در کنار اعتراضات مردم، در نهایت شاه را مجبور به لغو قرارداد کرد.

فرانسه

هم‌زمان با روی کار آمدن قاجارها در ایران، ناپلئون بناپارت در فرانسه قدرت گرفت. ناپلئون که سیاست توسعه‌طلبانه‌ای را در اروپا و جهان دنبال می‌کرد، با مانع بزرگی همچون انگلستان روبرو شد که به دلیل جزیره‌ای بودن و برخورداری از نیروی دریایی قدرتمند، توان رویارویی مستقیم با آن را نداشت. بنابراین، تصمیم گرفت رقیب خود را با هجوم به مستعمراتش از پای درآورد. از این رو، نخست مصر را تصرف کرد و سپس در صدد حمله به هندوستان برآمد.



ناپلئون بناپارت، امپراتور فرانسه

از آنجا که ایران مناسب‌ترین راه دستیابی ناپلئون به هند بود، نمایندگان او یکی پس از دیگری راهی دربار قاجار شدند. فتحعلی‌شاه که درگیر جنگ با روسیه بود و به متحد قدرتمندی نیاز داشت، از پیشنهاد امپراتور فرانسه برای برقراری رابطه استقبال کرد. در نهایت، **عهدنامهٔ فین‌کنشتاین** (۱۲۲۲ق/۱۸۰۷م) بین دو کشور بسته شد. پس از آن، هیئتی نظامی از فرانسه برای تعلیم و تجهیز سپاه به ایران آمد و در مدت کوتاهی اقدامات مفیدی در این زمینه انجام شد. اتحاد سیاسی و نظامی ایران و فرانسه زیاد دوام نیاورد؛ زیرا ناپلئون اندکی بعد تمام تعهدات خود در برابر ایران را زیر پا گذاشت و با روسیه صلح کرد؛ هیئت نظامی فرانسوی را از ایران فراخواند و حکومت قاجار را در مقابل روس‌ها تنها گذاشت. پس از این، روابط دو کشور فراز و نشیب‌های زیادی داشت و در حوزهٔ قراردادهای بازرگانی و همکاری‌های فرهنگی، به خصوص در زمینهٔ واگذاری امتیاز کاش‌های باستان‌شناختی، ادامه یافت.

عثمانی

در عصر قاجار دو کشور مسلمان ایران و عثمانی به سبب درگیری‌های مستمر با دولت‌های اروپایی، مجال کمتری برای دشمنی و جدال با یکدیگر داشتند. با این حال، در زمان فتحعلی‌شاه و محمدشاه، به سبب اختلافات مرزی، بدرفتاری عثمانیان با زائران ایرانی عتبات عالیات و مشکلات تجاری، تنش‌هایی میان دو کشور بروز کرد اما با وساطت دولت‌های انگلستان و روسیه مذاکراتی میان ایران و عثمانی صورت گرفت و قراردادهای صلح **ارزنة الروم اول و دوم** میان آنها بسته شد و به کشمکش‌ها پایان داد. جدا از مواجههٔ سیاسی - نظامی، همواره میان ایران و عثمانی روابط بازرگانی و فرهنگی وجود داشت و کشور عثمانی یکی از مسیرهای آشنایی ایرانیان با پیشرفت‌های اروپا و تحولات نظام جهانی بود. در اواخر دورهٔ قاجار، با شکل‌گیری دسته‌بندی‌های سیاسی - نظامی تازه در اروپا و نفرت تاریخی مردم ایران از انگلستان و روسیه، عثمانی توانست با شعار «اتحاد اسلام» بخشی از اندیشمندان ایرانی را به سمت خود جلب کند.

روابط با سایر کشورها

حکومت قاجار برای کاستن از نفوذ و دخالت‌های روزافزون روسیه و انگلستان در امور ایران، تلاش می‌کرد که با کشورهای دیگر مانند آمریکا، اتریش، ایتالیا و بلژیک ارتباط برقرار کند، اما به سبب سنگ‌اندازی روس‌ها و انگلیسی‌ها و بی‌ رغبتی این کشورها در این باره موفقیت چندانی به دست نیاورد.

پرسش‌های نمونه

- ۱- شرایط سیاسی - نظامی ایران با روسیه و انگلستان در عصر قاجار چه تفاوت‌های اساسی داشت؟
- ۲- چرا شاهان قاجار قادر به اعمال کامل قدرت استبدادی خود نبودند؟
- ۳- به نظر شما، مهم‌ترین آثار و پیامدهای زیانبار عهدنامهٔ ترکمانچای چه بود؟
- ۴- ایران در دورهٔ قاجار از چه جهاتی برای انگلستان اهمیت داشت؟
- ۵- علت اساسی توجه فرانسه به ایران در زمان ناپلئون چه بود؟ چرا روابط ایران و فرانسه در زمان فتحعلی‌شاه به شکست انجامید؟
- ۶- منابع مورد استناد در این درس را استخراج و فهرست کنید.